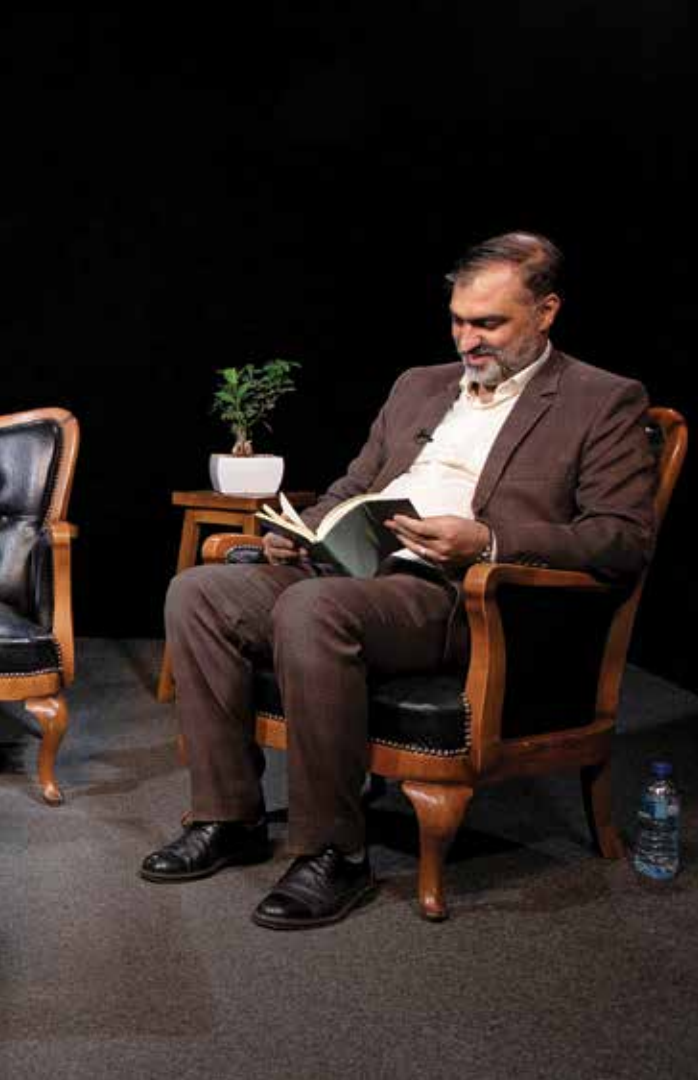


از سیره تاراهبرد

گفت‌وگویی حول و حوش نخستین بهار

وضاح خنفر مدیر سابق شبکه تلویزیون الجزیره است و در کتاب نخستین بهار با نگاه ژورنالیستی و راهبردی به سیره رسول اعظم پرداخته است. آیا کتاب نخستین بهار توانسته است نگاهی متفاوت به سیره حضرت رسول داشته باشد؟ آیا می‌توان از میان سیره‌های معمول به راهبردهای حضرت رسول پی برد و نسخه‌ای نو برای تصمیم‌های سیاسی جهان اسلام در زمان حال پیچید؟ با سر قزوینی دبیر سرویس تاریخ مجله باور در این میزگرد میزبان سجاد هجری و عباس بصیری بوده است. سجاد هجری سیاست پژوه است و با نگاهی انتقادی به وجوه سیاست پژوهانه کتاب خنفر پرداخته است. عباس بصیری با نگاهی تاریخی به اثر پرداخته و بیشتر در دفاع از آن سخن گفته است.



است، یعنی ما اول از مسئله صحبت می‌کنیم و سپس از تبیین سیاست برای آن مسئله. به نظر من این کتاب با اینکه تلاش کرده از ادبیات سیاست پژوهی بهره برد خود مسئله را به خوبی تبیین نکرد است.

دومین مسئله در نسبت همان مقام تأسی این است که اینکه رسول الله این راهبرد را اتخاذ فرمودند یک مسئله است، اینکه چگونه به این راهبرد رسیدند مسئله‌ای دیگر است. من معتقدم در مقوله تأسی، دومی اهمیت فراوان دارد، یعنی اینکه بله، رسول الله این راهبرد را فرمودند، اما از کجا؟ چه مسیری طی شده که به این راهبرد رسیده‌اند؟ اینجاست که ما به نحوی خاموش هستیم، نه تنها این کتاب بلکه ما خاموش هستیم. یک وجهش برمی‌گردد به اینکه این‌ها از وحی است یا اینکه، نه، یک جهتش برمی‌گردد به تاریخ. مباحث زیربنایی و مبنایی مهمی در تأسی به رسول الله و بهره‌گیری سیاستی و راهبردی از

انتظاری نمی‌رود. در وهله نخست باید امکان تأسی و به طور خاص جایگاه سیره در تأسی بحث شود. از آنجا که نبی الهی به وحی متصل است چگونه می‌شود به او تأسی کرد؟ وقتی کسی به وحی متصل است با یک انسان عادی متفاوت است، اما اولین سؤالی که با خواندن این کتاب در ذهن نقش می‌بندد این است که آنچه که ایشان مدعی است راهبرد و سیاست است، مبتنی بر وحی است یا مبتنی بر عقل و عقلانیت؟ این سؤال اساسی است که به نحوی این کتاب و امثال این کتاب باید به آن پاسخ دهند، ولی چنین پاسخی داده نشده. بگذریم که آقای خنفر در این کتاب علاقه مند است یک وجهه عقلی عقلایی از رسول الله نشان دهد که این هم قابل تأمل است.

ولی نکته اساسی که به نظر من می‌رسد این است که صرف گفتن اینکه حضرت رسول الله این راهبرد و سیاست را داشتند کافی نیست، از دو جهت، اول آن که خود سیاست ناظر به مسئله

بسیار متداول و متعارف شده به نحوی نوآورانه این کتاب را نوشته و تلاش کرده است از این ادبیات و رویکرد در سیره نبوی بهره ببرد. اگر کتاب‌های قدیمی سیره نبوی را ببینیم تحت عناوینی همچون المغازی، السیره و الجهاد گاهی به یک معنا به کار می‌رفتند و بیشتر، سیره، نحوی انصراف یا گاهی انحصار در مباحث جنگی و رزمی داشته و من فکر می‌کنم که این کتاب هم به نحوی این وضع را ادامه داده که از نظر من یکی از نقص‌های کتاب است، یعنی در این کتاب سیره نبوی در معنای اعم آن را نمی‌بینید. من معتقد هستم برخی مباحث به عنوان مبنایی در پژوهش سیره نبوی حتی در این رویکرد باید مورد توجه قرار می‌گرفت.

یا خود فرد صاحب فن است و به اجمال از آن بحث می‌کند یا صاحب فن نیست و آن را از جایی اختیار و اتخاذ می‌کند و به آن ارجاع می‌دهد، اما متأسفانه هر دوی این‌ها در کتاب نیست، گرچه چندان از یک فرد رسانه‌ای چنین

با سر قزوینی: گفت‌وگو را با دکنتر هجری آغاز می‌کنم. عنوان کتاب چه به ما می‌گوید؟

سجاد هجری: عنوان کتاب نخستین بهار و عنوان فرعی آن خوانش راهبردی-سیاسی سیره نبوی است. شاید با توجه به اصطلاحاتی که اکنون باب شده بهتر بود به جای تعبیر سیاسی از تعبیر سیاستی استفاده می‌شد. در زبان انگلیسی یک پالیسی داریم و یک پالیسیک و چنان که ریمون آرون می‌گوید در فرانسوی برای هر دو این‌ها یک ترجمه بیشتر ندارد در زبان فارسی هم این وضع بوده در حقیقت معادل هر دو را سیاست می‌گذاشتند. سیاسی در حقیقت همان عنوان مشهوری که اذهان به آن انس دارند را بیان می‌کند و سیاستی آن چیزی است که به خط مشی اشاره دارد که با راهبرد سنخیت دارد برای همین من فکر می‌کنم در اینجا تعبیر سیاستی مناسب‌تر باشد. آقای خنفر یک فرد رسانه‌ای است و در وضع کنونی جهان که این ادبیات